

قسمت آخر (جنگ شوراباشورا)
بملاحظه جریان تحقیقات، قدری
معطل خواهد ماند.

مداهنه

یا بخل و حسادت و دروغ

امیرفیض - حقوقدان

چهار مورد در مقابل امتناع ایشان

این امتناع ایشان ره گشائی ۴ مورد است:

مورد اول - مداهنه است که به معنای ریاکاری

و چاپلوسی است و یک معنای کمتر متداول دیگری هم دارد و آن مزاح گونی است، بنابراین برای شخصی که در جریان مداهنه قرار میگیرد تشخیص اینکه مداهنه کننده بدنبال چاپلوسی و ریاکاری و فریب دیگران است و یا به قصد مزاح طرح مداهنه را انداخته است نیاز به احتیاط دارد هرچند معمولاً برداشت مخاطب از مداهنه کاری، همان چاپلوسی و ریاکاری و فریب است.

بنده بر رعایت احتیاط و احترام به اصل صداقت در گفتار افراد، ترجیح دادم که موضوع را از آقای شهرام همایون سوال کنم که متاسفانه جوابی نگرفتم (اینکه جوابی نگرفتم خود جوابی است).

مورد دیگر دروغ - یعنی آقای همایون دروغ

گفته است و این عادت انسان های پریشان و محتاج دیگران است که کوچکترین توجهی به آثار دروغ خود ندارند و اساساً قبحی برای دروغ قائل نیستند و بنابراین گفته ای >دروغ هر قدر که

آقای شهرام همایون در برنامه (نگاهی به عملکرد رضاپهلوی) که در همین ماه جاری اجرا شد و بنده مفتخر به شنیدن آن شدم، کلامی را در بیان نگاه به عملکرد اعلیحضرت بکار برد که مرا یک پارچه تکان داد؛ آن کلام این بود که گفت:

> در مصاحبه بابی - بی - سی، شاهزاده جمله

ای گفت که من ۱۵ سال جوان شدم <

بنده از شنیدن این مطلب غرق در شرمساری شدم، زیرا با همه دقت و علاقه ای که بشهادت سنگرها به سخنان و مصاحبه های اعلیحضرت دارم و نقد آنها بصورت یک وظیفه مستمر در آمده از آن جمله تاریخی اعلیحضرت اطلاعی ندارم.

بلافاصله از آقای شهرام همایون تقاضا کردم که آن جمله منور تاریخی که سبب ۱۵ سال جوانی شما شده را بیان بفرمائید که مستحقین و منتظرین هم از آن اکسیر جوانی بهره مند شوند.^۱

ولی متاسفانه ایشان نخواست که از نعمت آن جمله اعلیحضرت، مشتاقان و پیروان تداوم سلطنت بهره مند شوند.

۱ - استعلام یاد شده ضمن ایمیل مستقیم به آقای شهرام همایون برای آگاهی همگانی به لیست جاوید ایران هم فرستاده شده است.
ح-ک

در تمام سالهای گذشته اکثر مردم و نیروهای سیاسی به هیچ وجه قادر به ایراد و انتقادی جدی در مورد سیاست های ایشان نبوده و کارنامه گذشته نیز نشانگر آن است و بقیه^۲

مراتب ادعا

معمولا ادعا از مراتب حق و یا زیاده خواهی و ناحقی تشکیل میشود و ادعائی که واجد مراتب مزبور نباشد

ادعا نیست بلکه مداهنه و چاپلوسی است مانند؛

وای اگر جلوه کنی! جلوه نکردن این است

هرچه خون است به پای علمت میریزد

بی تو خورشید خریدار ندارد

هرچه نور است ز عرش حرمتت میریزد

و یا؛ کروی و موسوی دستگیر بشه ایران قیامت
میشه... و نمونه های دیگر.

آیا خانم غفارپور خودشان سوگند یاد شده
اعلیحضرت را خوانده و فهمیده است که چنین
ادعائی را مطرح میکند و آیا تصور میکند که
ایرانیان آن سوگند را فراموش کرده اند که
اوسنگ در تاریکی میاندازد؟

در کار سیاسی مداهنه خیلی حساس است، زیرا
کار سیاسی ملازمه با ترصد و آگاهی و حساسیت
نسبت به مسائل و رویدادها دارد. مداهنه کننده
باید خیلی آدم سطحی باشد که به حساسیت
مداهنه بی توجه باشد.

آیا براستی اعلیحضرت به سوگند یاد کرده در
آبان سال ۱۳۵۹ وفادار ماندند، خانم غفارپور؟

بزرگتر باشد هم باورش آسان تر و هم راست کردن
آن دشوار است.

مورد سوم بخل است - از دروغ که بگذریم بخل

و حساست است، بخیل آن است که چشم داشتن
دیگران را ندارد و حتی از بارش باران هم به
مزرعه دیگران ناخشود و بخیل است.

اگر ادعای آقای همایون مداهنه و دروغ نباشد
بطور حتم گرفتار سبعت بخل است که
حاضر نیست دیگران از سخن اعلیحضرت
احساس سربلندی و غرور کنند.

اگر آنچه راکه از اعلیحضرت شنیده اند و قصد
اعلیحضرت هم آگاهی همگان بوده که به دیگران
خاصه آنها که درخواست دارند منتقل شود،
چیزی از آقای همایون و جیبشان نمیرود، الا که
حالت بخل مانع بذل این امانت است.

واما بعد

متعاقب برنامه آقای شهرام همایون، خانم فیروزه
غفارپور برای صیقل دادن برنامه آقای همایون
به پامنبری همایون برخاست و ایشان در لایحه
ای باتشکر از تمامی برنامه آقای همایون برنامه
مزبور را با زور و دروغ و ریا و سفسطه بسته
بندی و ادعا کرد:

همانطور که بخوبی نشان دادید کارنامه
شاهزاده از زمان قسم ایشان تا به امروز هیچگاه
تغییر نکرده و ایشان در تمام این مدت، معتقد به
آنچه گفته بودند هستند.

همانطور که در این برنامه چندین بار تکرار کردید،
شاهزاده بهترین کارنامه سیاسی را در این مدت
۳۴ سال داشته و هنوز هم دارند.

^۲ - جاوید ایران با انتشار این مداهنه و صیقل به لیست خود انتقاد
و یاد آوری هایی در باره عدول اعلیحضرت داشته است. ح-ک

راه برود درحالیکه میدانند وجدانا درباره

مملکتش هیچکاری نکرده است.

(مصاحبه باصداى آمریکا اسفند ۱۳۶۴)

آیا مقبولیت و مشروعیتی که سوگند اعلیحضرت برای قانون اساسی و تداوم سلطنت قائل شده پایدارمانده و یا ایشان درکمال فصاحت از آن عدول کرده اند؟ آیا این واضح تائراور به معنای ثبات در عقیده است؟ خانم غفارپور!

اعلیحضرت در مصاحبه با پاری ماچ فرمودند:

> در اینجا مایلم از ایجاد سوء تفاهم جلوگیری

کنم که قانون اساسی پیش بینی نکرده که اصل

سلطنت به سوال گذاشته شود - ایران یک

کشور پادشاهی است و در آن پسر جانشین

پدر میشود بنابراین امکان هیچ سوء تفاهم

باسوء تعبیری نباید وجود داشته باشد.

(مصاحبه باپاری ماچ)

آیا تلاشهای گذشته ایشان برای حمایت از همه پرسى برای نظام سلطنتی ایران و آن تلاشها بازگشت از سوگند و تغییر عقیده نیست؟ و نشان دهنده پایبندی به آنچه سوگند یاد کرده بودند میباشد؟ خانم!

کارنامه ایشان

خانم غفارپور پای کارنامه اعلیحضرت رابه میان کشیده اند؛ خود اعلیحضرت در بیاناتشان که در بالا اشاره شد از اینکه کاری برای وطنشان نکرده اند اعتراف به سرافکنندگی و شرمساری کرده اند بنابراین گشودن چنین کارنامه ای که دارند، خود آنرا مردود میدانند چه جای ارائه دارد که بهترین کارنامه سیاسی ۳۶ سال گذشته شناخته شود.

تمام گرفتاری و شکایت وتالم و شکست وارده

بر مبارزه ایرانیان خارج ازکشور به اعتبار همان

قلب و عدول از سوگند اعلیحضرت از تصدی

و مسئولیت سلطنت و تبدیل شدن به یک فرد عادى

بی مسئولیت است آیا این ضایعه چیزی است که

یک ایرانی حاضر در میدان تنوریک مبارزه

آترادرک نکرده باشد که ایشان از درک آن غافل

است.

این تحریر لازم نمیدانند که بسیاری از فرمایشات

اعلیحضرت رابعنوان رد ادعای بی پایه

و بسیار جلف خانم غفارپور ارائه دهد زیرا از نظر

اصول و منطق هر پاسخی باید متناسب با وزن ادعا

و سوال و نیز شخصیت سوال کننده باشد.

چونکه با کودک سروکارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

ادعای خانم غفارپوریک مداهنه بافته شده

از دروغ، بی پروائی و رسوائى است و قرائن

و شهود بسیار و اقرار و بیانات شخص

اعلیحضرت دلیل بی اساسی و هوائى بودن

ادعاست و برای خالی نبودن عریضه فقط به یکی

از بیانات اعلیحضرت استناد میشود.

> تنها کسی که در آن مملکت بوده وهست

و مسئولیتی در مقابل قانون دارد آنهم من

هستم. وظیفه اصلی من فقط آن قانون است.

من وظیفه خود را نه تنها بعنوان یک ایرانی

بلکه در این موقعیت و با آن مسئولیت تاریخی

که بردوش من گذاشته شده نمیتوانم به آن

پشت کنم اصلا آب خوش از گلوی آدم پائین

نمیروم، اصلا آدم شرم دارد که بتواند سربلند

برای استحضار فیروزه خانم

برای استحضار فیروزه خانم، کار، امر دلخواهی نیست، کار در رابطه با قانون و تکلیف است کسی که تکلیف قانونی و تعهد و سوگند خود را بر زمین میگذارد فصل تمرد بر او باز است نه فصل کار و کارنامه.

اجازه میخوام در کنارتوجه بالا این توجه هم تقدیم شود واژه **بچه بازی** که در مداهنه نامه شما بکار رفته معنا و تعبیر بد و فضح و جرم آورداردهتر است از واژه بازی های کودکانه در صورت اصرار استفاده بفرمائید.

خانم غفارپور در مداهنه نامه خودشان اشاره ای داشتند به افراد فرصت طلب ولی نمونه ای نیاوردهند بنده عذر تقصیر ایشان را جبران میکنم و نمونه آشنا و نزدیک آنرا میاورم؛

در برنامه تلویزیونی کنگره سکولارها که آقای شهرام همایون مدیریت میکرد، بهنگام طرح شورای ملی در پایان برنامه گفتند: **بلاخره**

شاهزاده یک پدیده است چکارش کنیم سمش

بدهیم < این چنین آدم مزاحمی که چاره رفع مزاحمت او سم دادن به اوست حدود دو ماه بعد در سایه مداهنه و فرصت طلبی آقای شهرام همایون کسی میشود که یک جمله او شهرام همایون را ۱۵ سال جوان میسازد. تصور نمیکنم نمونه نزدیک و آشنا و گویاتری از فرصت طلبان بتوان یافت.

اعلیحضرت در یکی از بیاناتشان فرمودند: **دیگته نانوشته غلط ندارد** < کاری که بر اساس حکم قانون جریان یابد و آن کار بانارسائی ها همراه باشد انتقاد پذیر است و برعکس کاری که بدون وجود نص و حکم از ناحیه کسی صورت گیرد انتقاد پذیر نبوده و واجد محکومیت است.

اقدامات و اعلامات اعلیحضرت که برخلاف صراحت قانون اساسی و سوگند ایشان انجام شده اعمال قابل انتقاد محسوب نمیشود اعمال محکوم شده بوسیله قانون است. در مقابل صراحت قانون، اتخاذ طریق و نظر شخصی قانون شکنی است و قانون شکنی هم انتقاد پذیر نیست.

انتقاداتی که در طول مبارزه متوجه اعلیحضرت شده همه در رابطه با عهد شکنی و جایگزینی **نظر**، بجای **قانون** بوده است، منتها عدم توجه مسئولیت به پادشاه منتقد را در چارچوب انتقاد محصور ساخته است.

برعایت همان اصل عدم مسئولیت است که اینجانب تا آنجا که ممکن بوده قبل از گشودن فصل انتقاد نسبت به بیانات و یا تصمیمات اعلیحضرت کتبا از حضورشان استدعای راهنمایی و احتمالاً اصلاح را داشته ام و این اجازه را بطور ضمنی گرفته ام که در صورت خودداری از هدایت و پاسخ، درستی برداشت اینجانب مورد تائید اعلیحضرت است.

باب مسئولیت و انتقاد

خانم غفارپور در پایان مداهنه نامه خودشان، باب توجه انتقاد را گشوده و مدعی شده اند که اگر انتقادی وجود دارد متوجه ایشان نیست متوجه تیمی است که شاخه های تنومند قدیمی را قطع کرده اند.

کارنامه بدون انتقاد

اعلیحضرت در سال ۱۳۸۴ همزمان، دو بیانیه ۷۰ نفره دانشجویی! و دیگری ۶۷۴ نفره فعالان سیاسی! را تائید فرمودند که در آن بیانیه ها شورش ۵۷ انقلابی بحق واصل علیه رژیم سلطنتی ایران معرفی شده بود.

متن بیانیه های مزبور و بیانیه اعلیحضرت که در فرصتی بطور مشروح عرضه خواهد شد، دوشان دارد اول اینکه مسیری راکه اعلیحضرت از سال ۱۳۸۴ عملاً در جهت حمایت از بخشی از شورشیان ۵۷ (عمال آمریکائی شورش) و روی گردانی صریحی که از سلطنت و سلطنت طلبان میفرمایند، در رابطه با همان بیانیه های باصطلاح دانشجویی و فعالان سیاسی است که تائید فرموده اند.

دوم اینکه - طرح هنری برشت که تداوم سلطنت را محکوم کرده است نمیتوانست بدون تائید کتبی اعلیحضرت پایگاه حقوقی پیدا کند و بیانیه های دانشجویی و فعالان سیاسی در حقیقت مراتب وزمینه سازی بود برای تائید کتبی اعلیحضرت نسبت به طرح هنری برشت که تداوم مشروعیت سلطنت را ساقط میکرد.

*** به امید فرصتی که این مقوله ذلت بار بطور مشروح ارائه شود.

خاتم غفارپور سخت در اشتباهند هرکس مسئول و طرف انتقاد عمل ویاسخنی است که میگوید و یا امضائی است که میدهد، مسئول قطع درخت و شاخه های آن کسی است که اجازه میدهد درخت انداز شاخه ها را قطع کند مسئولیت متوجه درخت انداز (عامل) نیست، مسئولیت متوجه کسی است که اجازه قطع درخت را داده است.

نظربه اینکه اعلیحضرت در موقعیت یک فرد عادی تصمیم میگیرند و اشتیاق به عمل نشان میدهند شخصاً مسئول هستند همچنانکه در باز انتقاد، منتقد علیه هم میباشند.

گزارشی بسیار بد از کارنامه ایشان که

کمتر میدانند

خاتم غفارپور از کارنامه سیاسی اعلیحضرت بعنوان بهترین کارنامه سیاسی یاد کرده اند.

گزارش کارنامه سیاسی اعلیحضرت سراسراز ناملایماتی است که بعضاً به تائید خودشان هم رسیده و با آنکه وعده عدم تکرار آن داده شده ولی همچنان سیاق آن جریان داشته است، و بهرحال فصل مشروح گزارش کارنامه ایشان را کم و بیش همگان میدانند ولی مطمئن هستم این قسمت از گزارش را که اکنون برایتان میآورم، یابید ندارید و فراموش کرده اید و یا اصلاً در جریان قرار نگرفته اید، بسیار مختصر میآورم و در فرصتی که لازم باشد به ابعاد و ظرافتهای آن به اتفاق خواهیم رفت.